

# نگاهی به هدایت تحصیلی در ایران (۱) کشورهای جهان

عزت مهاجرانی

درآمد

اجرای آموزش همگانی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و تنوع رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها و پایان دوره‌ی متوسطه و دوره‌های پیش‌دانشگاهی و آموزش‌های حرفه‌ای در رشته‌های متنوع از یک طرف، و تفاوت‌های فردی از نظر هوش، استعداد و علاقه از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که خصوصیات فردی با خصوصیات تحصیلی انطباق یابد و به دانش‌آموزان در جهت انتخاب واحدهای درسی، رشته‌های تحصیلی و حل مشکلات تحصیلی کمک شود. وانگهی، چون راهنمایی تحصیلی مقدمه‌ای برای راهنمایی حرفه‌ای است، برای اشتغال مناسب، ضرورت ارائه‌ی خدمات راهنمایی، بیشتر احساس می‌شود. اهم مواردی که لزوم راهنمایی تحصیلی را ایجاب می‌کند، به شرح زیر است:

● اجرای آموزش همگانی در اغلب کشورهای و انبوه‌گردانی که به مدارس روی می‌آورند، ایجاب می‌کند، به تفاوت‌های فردی در آموزش توجه شود. برای تطبیق استعدادهای و ظرفیت‌های هر شی‌کودکان با برنامه‌های آموزشی و روشن‌های تدریس، وجود راهنمایی تحصیلی در مدارس و دوره‌های پیش‌دبستانی ضروری است.

● در دوره‌ی متوسطه و دوره‌های پیش‌دانشگاهی، رشته‌های تحصیلی متنوعی وجود دارند و راهنمایی دانش‌آموزان در انتخاب رشته‌های تحصیلی، از طریق واحدهای درسی انتخابی صورت می‌گیرد. انتخاب این واحدها با توجه به خصوصیات دانش‌آموز و پایه‌ی تحصیلی وی، وجود مشاوران را ضروری ساخته است. چنانچه راهنمایی تحصیلی در این دوره‌ی تحصیلی به‌صورت علمی انجام نگیرد، دانش‌آموزان از این نظر با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهند بود.

● آموزش‌های حرفه‌ای که دوره‌های آموزشی آن‌ها توسط وزارت کار، آموزش و پرورش و سایر مؤسسه‌ها و وزارت‌خانه‌ها انجام می‌گیرند، چنانچه بدون توجه به استعداد، توانایی، علاقه

ضروریات دینی داوطلبان انجام گیرد، از توفیق و گناهی لازم  
هر قدر اجراء باشد بود.

● انتخاب رشته‌ی تحصیلی در آزمون‌های ورودی دانشگاه،  
میان چه‌چگون راهمندی انجام گیرد، شناس قهرلی و توفیق تحصیلی  
را کسب خواهد داد. چه بسیار داوطلبان کنکور که فقط به علت  
انتخاب نامناسب رشته‌ی تحصیلی در قبولی آزمون با شکست مواجه  
می‌شوند.

● انتخاب واحد درسی از نظر تعداد واحد و نوع درس‌ها و با  
توجه به رشته‌ی تحصیلی در دانشگاه نیز از مواردی است که در پیش‌بینی  
و انتخاب مناسب رشته‌ی تحصیلی را در دانشگاه‌ها و مراکز  
آموزشی عالی ضروری می‌باشد.

● عقب‌ماندگی درسی، توفیق نداشتن در کلاس‌های دوره‌های  
تحصیلی و دیگر مشکلات آموزشی دانش‌آموزان که به بررسی‌های  
درسی و کلاس‌ها به رفع این مشکلات نیاز دارد، از موارد دیگری هستند  
که لزوم راهنمایی تحصیلی را تأیید می‌کنند (مجلسی،  
[۱۳۷۷، ۱۳۳].

### ۱. فرایند هدایت تحصیلی در کشورها

#### ۱-۱. فرایند هدایت تحصیلی در آمریکا

هدایت مشاوره و راهنمایی در آمریکا، نظریه‌پرداز مهمی  
دوره‌های تحصیلی وجود دارد و حسب اصول هر سه‌ی کشورهای،  
کلیت دوره‌ی متوسطه اهمیت زیادی داشته است و فرایند هدایت  
را برای انجام آن در نظر گرفته‌اند. علاوه بر ارائه‌ی خدمات مشاوره  
و راهنمایی که توسط عوامل مستقر در دبیرستان‌ها صورت می‌گیرد،  
مشاوران حرفه‌ای که در این زمینه تخصص دارند، به آرا‌های این  
خدمات به صورت فردی و گروهی برای دانش‌آموزان و والدین آن‌ها  
معمولاً در طول سال تحصیلی، اطلاعات راهنمایی و مشاوره  
آیند و مؤثری به دست می‌دهند. در این کشور، فرایند هدایت  
تحصیلی، از آن استفاده می‌شود. در آمریکا، فرایند راهنمایی و مشاوره  
به صورت روش‌های اجزائی صورت می‌گیرد. هدایت دانش‌آموز را بر اساس  
مشاوره و آموزش، پیشرفت تحصیلی و رغبت به سوی رشته‌ی مورد  
علاقه هدایت می‌کند. مشاوران در مدارس آمریکا نقش مهمی دارند  
و از طریق پیشرفت امور تحصیلی در مدرسه، از اهمیت‌های خاصی  
بهرمن‌اند.

از آنجا که در آمریکا، برای توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور به  
آموزش نیروی انسانی توجه خاصی می‌شود، در دوران معاصر، در جهت  
استادان و معلمان و بهبود کیفیت آموزش و هدایت دانش‌آموزان،  
توجه خاصی ویژه‌ی صورت گرفته است. از جمله این که تعلیمات  
آموزشی در زمینه‌های مشاوره‌ی تحصیلی گرفته است تا تربیت نیروی

انسانی با نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور متوازن باشد  
[مجمع‌دعائی، ۱۳۸۲، ۷].

فرایند هدایت تحصیلی در آمریکا قبل از جنگ جهانی اول  
آمریکا نخستین کشوری بود که در آستانه‌ی قرن بیستم، وضعیت  
نازده‌ای را در تعلیم و تربیت جست‌وجوی می‌کرد. دوره‌ی متوسطه در  
آمریکا به دو دوره‌ی سه‌ساله تقسیم‌بندی است. در این دوره چهار انگار  
برای تقسیم‌بندی رشته‌های دبیرستانی ارائه شدند که به ترتیب عبارتند  
بودند از: رشته‌ی کلاسیک با سه زبان خارجی، رشته‌ی لاتین شامل  
با دو زبان خارجی، رشته‌ی زبان‌های جدید با دو زبان خارجی و  
رشته‌ی انگلیسی با یک زبان خارجی. دانش‌آموزان برای ورود به  
هر یک از این دبیرستان‌ها باید شرایط لازم را اجراء کنند. بنابراین  
فرایند هدایت تحصیلی بر اساس رغبت دانش‌آموز، پیشرفت  
تحصیلی، هم‌فکری اولیا و خلاصه، اجراء شرایط لازم از طرف  
تنظیم فرم‌های مربوط انجام می‌گردد (مجلسی، همان‌جا،  
[۱۳۷۷، ۱۳۴].

از اواسط قرن بیستم، با تغییر نظام آموزشی متوسطه، جریان  
هدایت تحصیلی از صورت کلاسیک و گروهی به سمت هدایت فردی  
گرایش یافت. یعنی تلاش شد تا دانش‌آموزان بتوانند رشته‌ی  
تحصیلی خود را هم‌چون دوران مربوطه را در هر یک از انتخاب کنند.  
ولی برای دریافت گواهی پایان دوره‌ی متوسطه، شرایط تحصیلی  
نظری و عملی لازم بود، در همین حال معیارس رشته‌های تحصیلی  
گناهیند و مستقرین راهنمایی مؤثر بودند، شرایط تحصیلی  
دانش‌آموز را (رغبت، استعداد و پیشرفت) با شرایط ورود به رشته‌ی  
مربوطه تطبیق دهند. البته بعضی دبیرستان‌ها دارای امتحان روزی  
بوده‌اند که در صورت کسب موفقیت برای ادامه‌ی تحصیل  
دانش‌آموزان به رشته‌ی مربوط هدایت می‌شوند.

در آمریکا قانون فرجه‌ی اقتصادی وجود دارد که مخصوص  
جوانان ترک تحصیل کننده است. یعنی این گروه از جوانان برای  
توسعه‌ی دوره‌ی آموزش حرفه‌ای و تجربه‌ی کاری هدایت  
می‌شوند. جریان هدایت تحصیلی و مشاوره تا سال ۱۹۸۰ بر  
اساس تغییرات مسائل اجتماعی و تفکر تربیتی تغییر می‌یابد. در  
این دوران در مدارس با اساس نیازمندی‌های دانش‌آموزان کار مشاوره  
و هدایت تحصیلی ارائه می‌شد (کاتلر، ۱۳۸۰، ۲۲۸-۲۲۹).

دوره‌ی متوسطه در آمریکا شامل دو دوره‌ی سه‌ساله است که  
دوره‌ی اول جنبه‌ی و دوره‌ی دوم اختصاصی تلقی می‌شود. در  
دوره‌ی دوم، دانش‌آموز از طریق راهنمایان تحصیلی و حرفه‌ای و  
مشاوران، رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود را انتخاب می‌کند. بنابراین  
در آمریکا نقش هدایت تحصیلی و مشاوره بسیار مهم است. اگرچه

اغلب دبیرستان‌ها به صورت جامع اداره می‌شوند و معمولاً دانش‌آموزان می‌توانند به آن وارد شوند، ولی فرایند تحصیلی به گونه‌ای است که استعداد و علاقه‌ی دانش‌آموز در ادامه‌ی تحصیل نقش دارد. معمولاً ۲۰ درصد دانش‌آموزان متوسطه به تحصیلات عالی هدایت می‌شوند، ۲۰ درصد به مدارس فنی و حرفه‌ای و ۶۰ درصد بقیه جذب بازار کار می‌شوند. بنابراین در آمریکا فرایند هدایت تحصیلی به صورت اعمال قوانین و مقررات و نیز بهره‌گیری از رویکرد هدایت و مشاوره‌ی فردی صورت می‌گیرد [فرجاد محمدعلی، ۱۳۷۳: ۱۷۷].

### فرایند هدایت تحصیلی در آلمان

نظام آموزش و پرورش در این کشور، متکی بر انتخاب بهترین افراد برای مدارس متوسطه است. در آلمان چهار نوع دبیرستان وجود دارد که از نظر برنامه‌های درسی و زبان خارجی و نیاز مناطق متفاوت هستند. مدت تحصیل هفت سال است که به علت وجود رشته‌های متنوع، به خصوص رشته‌های فنی و حرفه‌ای و صنعتی، دانش‌آموزان می‌توانند بر حسب علاقه رشته‌ی مورد نظر خود را انتخاب کنند. دانش‌آموزانی که به عللی از عهده‌ی ادامه‌ی تحصیل برنایند، به مدارس تکمیلی ابتدایی هدایت می‌شوند که به صورت شبانه‌روزی و به مدت دو سال ادامه خواهد داشت.

از آن‌جا که در تحصیلات متوسطه به برنامه‌های عملی و کارگاهی توجه بیشتری می‌شود، کسانی که بخواهند به بازار کار وارد شوند، باید در یک دوره‌ی دو ساله‌ی دیگر ادامه‌ی تحصیل دهند. دانش‌آموزانی هم که مایل باشند به دانشگاه بروند، لازم است طبق ضوابط خاص، دوره‌ی سه ساله‌ی سیکل دوم متوسطه را طی کنند.

### فرایند هدایت تحصیلی در آلمان قبل

#### از جنگ جهانی اول

در آغاز قرن نوزدهم، تجدیدنظر در آموزش متوسطه‌ی آلمان از طریق امپراتور وقت مورد توجه قرار گرفت. در منابع آمده است، در آلمان والدین طبقه‌ی متوسط بیش از وزرای کابینه‌ی انگلستان از ماهیت تعلیم و تربیت و شرایطی که آن را به موفقیت می‌رساند، آگاه‌اند. با این حال به توصیه‌ی امپراتور، آموزش متوسطه موردبازسازی قرار گرفت. در این تجدیدنظر، به

زبان آلمانی و تاریخ آلمان توجه بیشتری معطوف شد؛ هرچند که بین آموزش و پرورش سنتی و جدید تعارض به وجود آمد. گرایش جامعه به علوم جدید و عصر نوین اطلاعات، به توسعه‌ی مدارس «گیم‌ناز» دامن زد.

در آغاز قرن بیستم، بر اساس جنبش‌های دیگری، تغییر در دوره‌ی متوسطه به وقوع پیوست. از جمله این که انواع دبیرستان به سه نوع، و مدت تحصیل به ۹ سال افزایش داده شد. در دهه‌های بعد، به آموزش‌های حرفه‌ای توجه ویژه‌ای معطوف و بر تربیت نیروی انسانی برای بازار کار تأکید شد. بنابراین، تنوع مدارس فنی و تخصصی در دوره‌ی متوسطه فزونی گرفت و بر اساس نیاز جامعه و بازار صنعت، به تربیت نیروی انسانی پرداختند. در نتیجه، هدایت تحصیلی به صورت کاربردی، با در نظر گرفتن شرایط براساس استعداد، علاقه، پیشرفت تحصیلی و نظر اولیا و دانش‌آموزان صورت می‌گرفت [صفوی امان‌الله، ۱۳۷۲: ۲۳۸ و ۲۵۹].



در این کشور تعداد معدود متخصص در رشته و مشاوران متخصص در رشته مدیریت، در نهایت تحصیلی، اهم از فرعی و شغلی، و مسئولیت‌های و یادگیری نقش کمین کننده‌ای دارند [آگیری، ۱۳۷۶: ۵۸].

در مجموع، در آلمان هشت رشته‌ی متفاوت وجود دارد که در این کشور می‌توانند بر حسب نیاز و حلقه آن‌ها را انتخاب کنند. در مجموع هزینه‌های تحصیلی، از طریق احوال‌تولین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های قلی و نیز در خطر گرفتن استفاده و توانمندی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان صورت می‌گیرد.

**هدایت تحصیلی در انگلستان**

در انگلستان به دلیل وجود مدارس متنوع از قبیل مدارس خصوصی، گرامر، فنی، هنر، جامع و میانه، این امکان از اختیار خانواده‌ها برای هدایت فرزندان به تحصیلات مختلف، نیاز، تخصصی و غیره، وجود دارد. در این کشور از سال ۱۹۸۵، مدارس دولتی و مستقل و مستقل خصوصی نیز وجود دارند. برای هدایت تحصیلی آموزگاران از دوره‌ی اول تا پنجم از این مدارس، مشاوران تحصیلی وجود دارند و به اطلاع‌رسانی و هدایت تحصیلی می‌پردازند. این مشاوران در هر یک از این مدارس، به صورت منظم با والدین و معلمان در ارتباط هستند و با اطلاع‌رسانی به والدین و معلمان، به هدایت تحصیلی می‌پردازند. این مشاوران در هر یک از این مدارس، به صورت منظم با والدین و معلمان در ارتباط هستند و با اطلاع‌رسانی به والدین و معلمان، به هدایت تحصیلی می‌پردازند.



موسسه علمی و مطالعات فرهنگی  
تال جامع علوم انسانی

می‌تواند وارد بازار کار شود و یا در آموزش عالی ادامه‌ی تحصیلی از دوره‌ی نوبت، ۱۳۷۶: ۲۷۷.

در آزارات آموزش و پرورش واحدی وجود دارد که برای هدایت تحصیلی، منطبق بر نیازهای دانش‌آموزان، راهنمایی‌های لازم را به اولیا ارائه می‌دهد. مشاوران موظف هستند در آغاز سال، در مدرسه یا به والدین تحویل دهند. در این پروتکل اطلاعاتی از میزان ارزش‌های آموزشی و ضوابط تحصیلی، مقررات، مقررات، انواع انواع تحصیل سنتی، اهداف و ارزش‌های مدرسه و نحوه‌ی هدایت دانش‌آموزان موجود است.

بنابراین اولیا می‌توانند، از طریق این پروتکل در هدایت تحصیلی فرزندان اطلاعات داشته باشند.

جامعه‌شناسی و مشاوره‌ی شاگردان در رشته‌ی مشاوره، معمولا در پایان هر سال تحصیلی انجام می‌گیرد. هر چند در مدارس دولتی و مستقل، مشاوران به صورت تخصصی و به صورت جداگانه فعالیت می‌کنند. در مدارس دولتی و مستقل، مشاوران به صورت تخصصی و به صورت جداگانه فعالیت می‌کنند. در مدارس دولتی و مستقل، مشاوران به صورت تخصصی و به صورت جداگانه فعالیت می‌کنند.

تخصصی باشند. مدارس جامع باید برنامه‌های مناسبی برای هدایت تحصیلی شاگردان می‌کند. شاگردانی که در ۱۵ سالگی در رشته‌ی هنر، ادبیات، زبان، ریاضیات، علوم و ورزش، که تا ۱۷-۱۸ سالگی تحصیلی را ادامه می‌دهند، مشاوران برای راهنمایی شاگردان در همه‌ی سطوح قابلیت و توانمندی همواره در حال آزمون و تجربه کردن هستند. اغلب مشاوران آگاهی می‌کوشند، زندگی جسمی، نوروسنتی از طریق گروه‌های مطالعاتی، اجتماعی و ارتباطی با عمل جهت هدایت تحصیلی و به برنامه‌ریزی مشاوران اختصاصی می‌دهند.

سبب نیازگویی به مشاوران مورد نظر مراجعه و پس از آزادی مشاوران لازم و تکمیل فرم‌های مربوطه، ثبت نام کند. در انگلستان، بخشی از هدایت تحصیلی به صورت کسب صلاحیت‌های تحصیلی انجام می‌شود، یعنی در حین آموزش، که از طریق و حرفه‌ای، دانش‌آموز برای هدایت از قبل تعیین شده مشاوران می‌تواند به منظور حصول اطمینان از انجام هدایت تحصیلی برای دانش‌آموزان، گواهی صلاحیت تحصیلی، و در صورتی که برای صلاحیت‌های علمی حرفه‌ای و یا علمی عمومی صادر می‌شود. با دریافت این گواهی نامه‌ها، دانش‌آموزان

تا سال ۱۹۶۰، وسعت مهاجرت از جزایر هند غربی، هندوستان و پاکستان به انگلیس در چند منطقه ی لندن چشم گیر بود. با شروع اختلاط نژادها در مدارس جامع، این مدارس، به طور آگاهانه شروع به انجام کاری برای شهر لندن کردند که پیش از این آمریکا پیشقدم انجام آن در شهرهایی مانند نیویورک، بوستن و شیکاگو شده بود.

در خلال دهه ی ۱۹۵۰، قرآنی به دست آمده در انگلستان و هم چنین ایالات متحده در مورد جانب داری فرهنگی آموزش های هوش، روز به روز افزایش می یافت. اینک روشن بود، منجسش هوش که انتخاب شاگرد پس از ۱۱ سالگی برای مدارس گرامر و تعیین رشته در همه ی مدارس متوسطه به اتکای آن انجام می گرفت، علیه بچه های طبقه ی کارگر تبعیض قائل می شد. فشار برای برداشتن امتحان بالای ۱۱ سالگی و افزایش ظرفیت پذیرش مدارس جامع، هم چنان وجود دارد. در دهه ی ۱۹۵۰ که قدرت یکسره در دست حزب محافظه کار بود، مدارس جامع حتی کمتر از آن که دولت کارگری نامهربان قبلی تشویقشان کرده بود، مورد تشویق قرار گرفتند. با وجود این، بی اعتمادی فزاینده به امتحان گیریش، نزدیکی روزافزون روش های کاری مدارس متفاوت با یکدیگر، و موفقیت های به نمایش درآمده ی مدارس جامع در امتحانات عمومی و در کار دشوار حفظ شاگرد پس از سن ترک مدرسه، موجب خیزش موج سهمگینی در آغاز دهه ی ۱۹۶۰ به پشتیبانی از آموزش متوسطه ی جامع شد (کابل، و. ف، ۱۳۶۸: ۱۷۲۷).

در انگلستان، دانش آموزان فارغ التحصیل دوره ی ابتدایی می توانند بدون گذراندن آزمون ویژه، وارد مدارس جامع شوند و تا سن ۱۶ سالگی از نوعی تعلیمات عمومی برابر و یکسان برخوردار گردند. سپس هر یک بر اساس کارکرد تحصیلی، علاقه و استعداد خود به رشته های متفاوتی راهنمایی می شوند. نظر به این که اکثر مسئولان مدارس جامع بر این اعتقاد هستند که ارزیابی شاگردان در سنین پایین، به خصوص برای آن عده از دانش آموزان «دیررس» چندان قابل اطمینان نیست، لذا حتی الامکان سعی می کشند، مرحله ی طبقه بندی و تفکیک دانش آموزان را بر اساس استعدادشان، به دلیل این که دانش آموزان از مدارس ابتدایی متفاوتی، از نقطه نظر شیوه ی تدریس معلمان و تجهیزات آموزشی به دوره ی تعلیمات متوسطه منتقل شده اند، به تعویق اندازند.

تعلیمات دوره ی متوسطه جامع، شامل دو دوره ی سه ساله است. سه سال اول به دروس عمومی اختصاص دارد و برای کلیه ی دانش آموزان این دوره یکسان است؛ از جمله: انگلیسی، ریاضیات، تاریخ، زبان فرانسه، علوم، هنر و صنعت، موسیقی، تعلیمات دینی و تربیت بدنی. اما، در «دوره ی دوم» دروس آزادانه

ارائه می شوند و دانش آموزان با توجه به سوابق تحصیلی در سال های گذشته، علاقه و استعداد شخصی و کمک مربی و مشاوران راهنمایی، این دروس را انتخاب می کنند.

در ابتدای سال چهارم تحصیلی که می توان آن را مرحله ی انتقال دوره ی اول و دوم متوسطه نامید، طی خوابگاهی، کلیه ی دانش آموزان به گروه های متجانس به منظور ادامه ی تحصیل تقسیم می شوند. ضوابط و ملاک های این طبقه بندی را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. طبقه بندی شاگردان بر اساس استعدادشان.
۲. گروه بندی بر اساس نمرات کسب شده از دروسی که طی سال های گذشته گذرانده اند.
۳. طبقه بندی بر اساس انتخاب دروس اختیاری.
۴. گروه بندی بر اساس انتخاب نوع دروس فنی و حرفه ای.
۵. طبقه بندی بر اساس: الف) آن هایی که پس از دوره ی دوم ترک تحصیل می کنند و ب) آن هایی که مایل هستند ادامه ی تحصیل دهند؛
۶. تقسیم بندی بر اساس نوع امتحانی که دانش آموزان قصد دارند در آن شرکت کنند. مثلاً گروهی می خواهند، امتحان عمومی آموزش را در سطح عالی بگذرانند و گروهی دیگر خود را برای امتحانات در سطح پیشرفته آماده می کنند.

بدیهی است این طبقه بندی، از سوی کار معلمان را در انتخاب محتوای دروس و شیوه ی تدریس تقلیلتر می کند و از سوی دیگر، چنان فراگیری را برای گروهی نسبتاً متجانس، از نقطه نظر استعداد و توانایی های تحصیلی، آسان تر می سازد. استقبال بی نظیر قشرهای اجتماعی (طبقات متوسط و پایین جامعه ی انگلستان)، از تعلیمات جامع متوسطه موجب شد تا تعداد مدارس جامع و درصد دانش آموزانی که در این مدارس به تحصیل اشتغال دارند، نسبت به سایر مدارس متوسطه، از رشد چشم گیری برخوردار شوند. مثلاً در سال ۱۹۵۰، تعداد مدارس متوسطه در انگلستان از پنج مدرسه که فقط ۰٫۲ درصد از شاگردان دوره ی متوسطه را دربر می گرفتند، تجاوز نمی کرد. ولی در سال ۱۹۷۳، به ۱۸۲۵ مدرسه که ۴۵ درصد دانش آموزان دوره ی متوسطه را در خود جای دادند و بالاخره در سال تحصیلی ۷۶-۱۹۷۵ به سه هزار مدرسه یا سه میلیون دانش آموز که معادل ۷۶ درصد کل دانش آموزان دوره متوسطه بود، افزایش یافت. سرانجام نیز در سال ۲۰۰۰، به ۴۱۷۵ با ۴۲۷۵۰۰۰ دانش آموز رسید. در انگلستان، فرایند هدایت تحصیلی برای سایر مدارس متوسطه با آنذکی تفاوت به همین صورت اجرا می شود، ولی در مدارس جامع به علت اهداف متنوع آن، کار هدایت تحصیلی از تنوع بیشتری برخوردار است (چاکر، آرتور دونالد، ۱۳۷۶: ۱۲۹).

ادامه دارد.